



The ruling on the marriage of a pregnant woman from an illegitimate relationship from the perspective of Iranian jurisprudence and law with a view on double pregnancy

Dr. Abdul Samad Ali Abadi



,Assistant professor of jurisprudence and law at the Tehran University of Islamic Religions, Email: a.aliabadi@mazaheb.ac.ir

Abstract

From the perspective of Imami jurisprudence and Iranian law, a pregnant woman whose husband has died or divorced her cannot marry anyone other than her ex-husband during pregnancy and must wait until childbirth; However, it has been seen in some cases that a woman without a husband who got pregnant through illegitimate means was married to an adulterer or none adulterer at the time of pregnancy; Even in some cases, the couple finds out after marriage that the woman is pregnant by someone else. The verdict of these examples is not very clear. The question of the verdict of marrying a pregnant woman from an illegitimate relationship from the point of view of jurisprudence and Iranian law is an issue that needs to be explored until reaching a suitable answer. There are three opinions about the marriage of a pregnant adulteress: famous jurists believe that it is permissible, some jurists believe that it is not permissible, and some others believe "Tafsil" that is differentiating. In this way, marriage is considered permissible, but intercourse and cohabitation during pregnancy are not permissible. This research shows in a descriptive and analytical way that the famous evidence is incomplete and the "tafsil" view based on the principle of innocence is a problem, because despite the generality of the chapter, it does not come to the flow of the principle. As a result, according to the weakness of the evidence of the first and third views, using the generality of the evidences of the obligation of Idah (a period of time that a woman cannot marry after divorce or her husband's death) and in order to preserve "Miah" (sperms) and lineage from mixing, marriage during pregnancy is not permissible. From the medical point of view, there is also the possibility of a pregnant woman getting pregnant again during pregnancy, which is called double pregnancy.


Key words: marriage of a pregnant woman, marrying a pregnant, pregnant marriage, adultery, double pregnancy .





HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir/	سال ۵۵ - شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۳۲ - بهار ۱۴۰۲، ص ۱۳۶ - ۱۱۷	
شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۳۸۹۲		شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۳۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۵	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۸/۱۳	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵
DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2021.70610.1116		نوع مقاله: پژوهشی

حکم ازدواج زن باردار از رابطه نامشروع از منظر فقه و حقوق ایران با نگاهی به بارداری مضاعف

دکتر عبدالصمد علی آبادی 

استادیار فقه و حقوق دانشگاه مذاهب اسلامی تهران

Email: a.aliabadi@mazaheb.ac.ir

چکیده

از منظر فقه امامیه و حقوق ایران، زن بارداری که همسر وی فوت کرده یا او را طلاق داده است، در زمان بارداری نمی‌تواند با شخصی جز همسر سابق خود ازدواج کند و باید تا وضع حمل صبر کند؛ اما در مواردی دیده شده است که زن فاقد شوهر که از راه نامشروع باردار شده، در زمان بارداری با زانی یا غیرزانی ازدواج کرده است؛ حتی در نمونه‌هایی زوج بعد از ازدواج می‌فهمد که آن زن از شخص دیگری باردار است. حکم این نمونه‌ها چندان هویدا نیست. پرسش از حکم ازدواج زن باردار از رابطه نامشروع از منظر فقه و حقوق ایران مسئله‌ای است که نیازمند کاویدن تا دستیابی به پاسخی درخور است. درباره ازدواج زانیه باردار سه دیدگاه وجود دارد: مشهور فقها قائل به جواز، برخی از فقها قائل به عدم جواز و عده‌ای قائل به تفصیل‌اند، به این صورت که نکاح را جایز دانسته اما وطی و هم‌بستری در زمان بارداری جایز ندانسته‌اند.

این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی نشان می‌دهد که ادله مشهور ناتمام است و دیدگاه تفصیل نیز که بر پایه اصل برائت مطرح شده، محل اشکال است؛ چون با وجود عمومات باب عده، نوبت به جریان اصل نمی‌رسد. در نتیجه نظر به ضعف ادله دیدگاه اول و سوم، با استفاده از عمومیت ادله وجوب عده و برای حفظ میاه و انساب از اختلاط، ازدواج در زمان بارداری جایز نیست. از نظر پزشکی نیز امکان بارداری مجدد زن باردار در زمان بارداری وجود دارد که به آن بارداری مضاعف گفته می‌شود.

واژگان کلیدی: ازدواج زن حامله، تزویج الحامل، نکاح الحامل، زنا، بارداری مضاعف.

مقدمه

باردار بودن زن یکی از موانع ازدواج است. به عبارت دیگر، اگر زن به سبب طلاق یا فسخ نکاح یا بذل مدت و انقضای آن از زوج جدا شد و حامله بود نمی‌تواند در زمان بارداری ازدواج کند و باید تا وضع حمل صبر کند. البته در فرض طلاق، ازدواج با همسر سابق منع شرعی ندارد. اما ازدواج این زن با مرد دیگری غیر از همسر سابق جایز نیست و حرام است (الموسوعه الفقهیه الکویتیة، ۲۷۲/۱۶)، زیرا آن زن در عده دیگری است (صاحب‌جوهر، ۴۵۳/۲۹).

از منظر فقهای امامیه، عده زن باردار بعد از طلاق به وضع حمل است (ابن‌براج، ۳۱۶/۲)؛ یعنی بعد از اینکه فرزندی که در شکم دارد به دنیا آورد عده وی تمام می‌شود، ولو تولد فرزند بلافاصله بعد از طلاق صورت پذیرد (محقق سبزواری، ۳۵۶/۲). عده زن باردار نیز در صورتی که همسرش فوت کند هریک از این دو؛ یعنی چهارماه و ده روز یا وضع حمل که بیشتر باشد، همان عده وی به شمار می‌رود (فاضل‌هندی، ۱۱۸/۸) و بعد از اتمام عده می‌تواند ازدواج کند.

تا اینجا بحثی نیست اما بحث و مناقشه در جایی است که زن فاقد شوهر به سبب زنا باردار شده باشد که در جواز یا عدم جواز ازدواج وی در زمان بارداری بین فقها اختلافاتی وجود دارد. نظر به رشد کمی روابط نامشروع میان دختران و پسران در سال‌های اخیر، نهاد خانواده در بحث ازدواج با آسیب‌هایی متعددی مواجه شده است. یکی از آسیب‌ها، باردار شدن دختر در پی رابطه نامشروع است که دختر بعد از بارداری برای حفظ آبرو و در ابتدای بارداری، سریع‌تر اقدام به ازدواج با زانی یا غیرزانی می‌کند. حتی در برخی موارد، دختر بارداری خود را مخفی می‌کند و پسر را از این موضوع مطلع نمی‌کند و بعد از ازدواج و شروع زندگی مشترک، زوج متوجه بارداری زوجه قبل از ازدواج از فردی دیگری به صورت نامشروع می‌شود. با اینکه حکم ازدواج زن باردار از رابطه نامشروع از اهمیت زیادی برخوردار است اما تحقیق مستقلی در این خصوص صورت نگرفته است و فقط فقها در لابه‌لای کتب فقهی خود به صورت مختصر بدان اشاره کرده‌اند.

مهمترین پرسش این است که ازدواج زن حامله از رابطه نامشروع از منظر فقه امامیه و حقوق ایران چه حکمی دارد؟ در این نوشتار با روش کتابخانه‌ای در سایه توصیف و تحلیلی دقیق از گزاره‌های فقهی و بعد از طرح مفاهیم اساسی و تبیین آرا و ادله فقیهان امامیه تلاش شده است تا حدود و ثغور حکم ازدواج زنی که از راه زنا باردار شده است، مشخص شود.

۱. دیدگاه‌های حاکم بر ازدواج با زن حامله از رابطه نامشروع

فقه‌های امامیه در خصوص حکم ازدواج زنی که از راه زنا حامله شده است اختلاف نظر دارند که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌شود.

۱.۱. جواز ازدواج زانیه حامله در زمان بارداری

أ. اقوال فقها: از نظر این دیدگاه، زنی که از راه زنا باردار شده است می‌تواند در زمان بارداری ازدواج کند (ابن ادریس، ۵۴۴/۲) و هم‌بستری با وی جایز است. در این حکم فرقی نمی‌کند که آن مرد زانی باشد یا شخص دیگری (طباطبایی، ۷۹۰/۲؛ حکیم، ۴۵۵/۱۴؛ مرعشی، ۲۱۳/۲). علامه حلی می‌نویسد: «لا تحرم الحامل من الزنا علی الزانی ولا علی غیره ولا یفتقر فی إباحة العقد علیها إلی الوضع» (تحریر، ۴۷۶/۳). مضمون قول علامه این است که ازدواج زن باردار با زانی و غیرزانی حرام نیست و برای مباح بودن ازدواج با آن زن نیازی به وضع حمل نیست؛ یعنی وضع حمل شرط اباحه ازدواج نیست، بلکه در حین بارداری می‌توانند ازدواج کنند. صاحب حدائق ادعای شهرت و عدم خلاف کرده است: «المشهور فی کلام الأصحاب بل الظاهر أنه لاخلاف فيه أنه لاعدة علی الزانیة إذا كانت ذات حمل من الزانی» (۵۰۴/۲۳). صاحب جواهر نیز می‌گوید: زنی که از راه زنا باردار شده است، ازدواج و هم‌بستری با وی جایز است؛ زیرا نطفه زانی حرمت ندارد (۲۱۲/۲۴).

فقها در خصوص زانیه غیر حامل از باب احتیاط قائل به استبراء شده‌اند؛ برای مثال، صاحب عروة می‌نویسد: «الأحوط الأولى أن یکون بعد استبراء رحمها بحیضة من مائه أو ماء غیره» (۷۹۰/۲). امام خمینی در تعلیقه گفته است: «لا یتربک حتی الإمكان» (همان) و خونی آورده است: «لا یتربک الاحتیاط فی تزویج نفس الزانی»^۱ (همان). دلیل این احتیاط آن است که از عدم بارداری وی اطمینان حاصل شود. در واقع هدف اصلی جلوگیری از اختلاط میاه و انسباب است. اما در خصوص زن باردار گفته‌اند که وی نیاز به استبراء به وضع حمل ندارد، زیرا بارداری واضح است و اختلاط میاه و انسباب رخ نخواهد داد (بحرانی، ۵۰۴/۲۳؛ اشتیاردی، ۲۵۷/۲۹). به عبارت دیگر، استبراء مقدمه‌ای به منظور مشتبه نشدن نطفه زانی با غیرزانی است و در زن حامل چنین اشتباهی رخ نمی‌دهد؛ زیرا نسب جنین مشخص است که از زنا یا سابق است (خویی، موسوعة، ۲۲۵/۳۲؛ شبیری زنجانی، ۲۱۵/۷).

ماده ۱۱۵۳ قانون مدنی که عده زن حامله را بیان می‌کند، راجع به عده زن باردار از راه زنا اشاره نکرده است و مثل اینکه به تبعیت از دیدگاه مشهور برای زن باردار از راه زنا عده لازم نمی‌داند. متن ماده عبارت

۱. آیت الله خویی در صورتی قائل به احتیاط شده است که زانیه بخواهد با زانی ازدواج کند و دلیل این احتیاط آن است که اگر در زمان بارداری ازدواج کنند با توجه به شباهت‌های فرزند با پدر، ولد زنا بودن وی قابل تشخیص نباشد حتی با آزمایش ژنتیک.

است از: «عدة طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضاء آن در مورد زن حامله تا وضع حمل است.» لذا از نظر قانون، ازدواج زنی که به سبب زنا باردار شده است منعی ندارد.

ب. **ادله دیدگاه مشهور: ۱. روایت:** صاحبان این نظریه به روایتی از محمد بن حسن قمی استناد کرده اند (خویی، موسوعه، ۲۲۵/۳۲). راوی می گوید: با جمعی از دوستان به امام جواد (ع) نامه ای نوشتیم و از ایشان سؤال کردیم که مردی با زنی زنا کرده و پس از باردار شدن با او ازدواج می کند و زن فرزندی می آورد که از همه مردم به آن مرد شبیه تر است. امام (ع) با خط و مهر خود در جواب نوشت: «الْوَلَدُ لِغَيِّةٍ لَا يُورَثُ» (کلینی، ۱۶۳/۷؛ ابن بابویه، ۳۱۶/۴؛ طوسی، تهذیب، ۱۸۳/۸)؛ یعنی کسی از زنا زاده ارث نمی برد.

«غیة» در اینجا کنایه از زناست، (فیض کاشانی، الشافی، ۱۶۶۰/۲). نحوه استدلال به این حدیث بر جواز ازدواج زن باردار از راه زنا در زمان بارداری به این صورت است که در اینجا هر چند یک سؤال شده است، اما در سؤال فوق دو قضیه وجود دارد: ۱. ازدواج با زانیه باردار از رابطه نامشروع در زمان بارداری؛ ۲. حکم فرزندی که ولد زناست اما متعلق به زوجین است که قبل از ازدواج به سبب زنا نطفه اش منعقد شده است.

آن حضرت در پاسخ فقط قاعده ای کلی در خصوص ولد زنا بیان کرد؛ یعنی عدم توارث ولد زنا، ولی در خصوص ازدواج در زمان بارداری چیزی نفرمودند و سکوت آن حضرت نشانه جواز چنین ازدواجی است، زیرا اگر نکاح زانی با زانیه حامله اشکال داشت قطعاً به باطل بودن آن نیز اشاره می کردند.

۲. **اجماع:** برخی از فقها بر جواز ازدواج زانیه باردار در زمان بارداری ادعای اجماع (محقق سبزواری، ۱۱۲/۲۴) و عدم خلاف کرده اند (بحرانی، ۵۰۵/۲۳).

۳. **عدم حرمت نطفه زانی:** بارداری از راه زنا مانع ازدواج نیست و در صورتی که زن شوهر نداشته باشد بدون عده می تواند ازدواج کند، زیرا نطفه زانی حرمت ندارد (صاحب جواهر، ۲۱۲/۲۴).

۴. چون حاملگی زن ظاهر شده است، لذا در صورتی که ازدواج کند اختلاط انساب صورت نمی گیرد (خویی، موسوعه، ۲۲۵/۳۲)، در نتیجه عده لغو خواهد بود.

ج. **تحلیل ادله:** در خصوص دلیل اول، برخی دلالت حدیث فوق را بر مدعا پذیرفته اند، اما چون روایت از نظر سندی ضعیف است، استدلال به آن را نمی پذیرند و فقط آن را به عنوان مؤید قبول دارند (همو، همان، ۲۲۵/۳۲)، به دلیل اینکه در سند این روایت محمد بن حسن قمی وجود دارد که مجهول است (همو، معجم، ۲۱۷/۱۶). علامه مجلسی نیز این حدیث را مجهول می داند (مرآة العقول، ۲۴۶/۲۳) و در جای دیگری می نویسد: وی محمد الحسن بن جمهور العمی است که ضعیف می باشد (ملاذ الأخیار، ۳۵۵/۱۳).

نجاشی وی را محمدبن جمهور می نامد و می نویسد: «ضعیف فی الحدیث، فاسد المذهب» (خویی، معجم، ۱۸۹/۱۶).

این روایت طریق دیگری نیز دارد که به جای «محمدبن الحسن قمی» نام «مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي خَالِدٍ الْأَشْعَرِيِّ» ذکر شده است (ابن بابویه، ۳۱۶/۴؛ حر عاملی، ۲۷۴/۲۶). این احتمال نیز وجود دارد که محمدبن الحسن القمی که در سند حدیث آمده است و علامه مجلسی آن را ابن جمهور نامیده است (مجلسی، محمدباقر، ملاذ الأخیار، ۳۵۵/۱۳)، محمدبن الحسن بن ابی خالد اشعری باشد.

در هر صورت محمدبن حسن ابی خالد القمی الأشعری نیز شخصیت مجهولی دارد و به وثاقت وی تصریح نشده است (خویی، معجم، ۲۱۶/۱۶)، ولی شاید بتوان وثاقت وی را از راهی درست کرد و آن عبارت است از اینکه چون محمدبن حسن وصی سعدین سعد اشعری است، لذا وی نیز ثقه است (مجلسی، محمدتقی، ۳۴۱/۱۱). بحرانی ضمن تصریح به صحت روایت فوق می نویسد: «قال الوحید فی تعلیقتہ: إنه يظهر من غیر واحد من الأخبار کونه وصی سعدین سعد الأشعری و هو دلیل الاعتماد و الوثوق و حسن الحال و ظاهر فی العدالة» (سند، ۱۶۱/۲). سعدین سعد از اصحاب امام رضا (ع) و ثقه است (نجاشی، ۱۷۹؛ طوسی، رجال، ۳۵۷). حال اگر محمدبن حسن شخص فاسقی بود، سعدین سعد او را وصی خود قرار نمی داد و وصی قرارگرفتن وی نشان از عدالت و حسن ظاهر وی دارد، شاید به همین دلیل است که برخی از فقها مثل صاحب حدائق (۱۷/۲۵) صاحب ریاض (۱۱/۱۲) این روایت را صحیح دانسته اند.

این طریق نیز برای اثبات وثاقت یک شخص صحیح نیست، همان طور که خوئی در رد آن می نویسد: «أن الوصایة لا تکتشف عن العدالة و لا تدل علی الاعتماد و الوثوق به بما هو راو، وإنما یدل علی الوثوق بأمانته و عدم خیانتہ» (معجم، ۲۱۷/۱۶). مفهوم قول خوئی آن است که صرف وصی بودن، کشف از عدالت نمی کند و دلالتی بر اعتماد و اطمینان به عنوان راوی نیست و تنها بر امین بودن و عدم خیانت آن شخص دلالت می کند. بنابراین آنچه که از وصی بودن محمدبن حسن قمی از سعدین سعد فهمیده می شود این است که وی امانت دار است اما عدالت یا ثقه بودن محمدبن حسن کشف نمی شود.

دلیل اجماع نیز پذیرفتنی نیست، زیرا فقهای هستند که قائل به عدم جواز نکاح هستند (شیرازی، زنجانی، ۳۲۷/۲). بنابراین، اجماع ادعایی محقق نشده است.

اما راجع به دلیل سوم باید گفت که گرچه نطفه زانی حرمت ندارد اما نطفه مردی که با این زن ازدواج می کند حرمت دارد، لذا شرع چنین آمیختگی را نمی پذیرد.

دلیل چهارم نیز رد می شود، زیرا در روایات تعبیر به استظهار نشده و در روایات نیامده است که برای

تبدیل شک در خصوص بارداری و عدم بارداری مدتی صبر شود تا یقین حاصل شود، بلکه امام(ع) استبراء را واجب کرده است و دلیل آن برائت رحم از نطفه حرام است. در باب کنیز اگر کسی کنیز باردار خرید نیز تا وضع حمل، حق هم بستری ندارد، چون ارتباطی بین نطفه جدید و آن حمل پیدا می شود ولو نسب حمل مشخص باشد و این از نظر شرع ممنوع است (شبیری زنجانی، ۲۱۵۱/۷).

۲.۱. عدم جواز ازدواج زانیه حامله در زمان بارداری

۱. اقوال فقها: برخی از فقهای امامیه ازدواج زن باردار را جایز نمی دانند و قائل به ثبوت عده هستند؛ برای مثال، فیض کاشانی می نویسد: «أقول الاحوط ثبوتها» (مفاتیح الشرائع، ۳۴۴/۲). کاشف الغطاء نیز می گوید: «الأظهر لزوم العدة» (۴۵). از ظاهر قول صاحب وسائل به دست می آید که وی قائل به عده زنی است که از راه زنا باردار شده است، زیرا وی تحت بایی می نویسد: «بَابُ وَجُوبِ الْعِدَّةِ عَلَى الزَّانِيَةِ إِذَا أَزَادَتْ أَنْ تَتَزَوَّجَ الزَّانِي أَوْ غَيْرَهُ»؛ یعنی باب وجوب عده بر زانیه هنگامی که بخواهد با زانی یا غیرزانی ازدواج کند (حرعاملی، ۲۶۵/۲۲). از اطلاق قول وی به دست می آید که وجوب عده شامل زن زانیه باردار و غیرباردار می شود. بنابراین، زنی که از راه نامشروع باردار شده است نمی تواند ازدواج کند و باید تا وضع حمل صبر کند. شبیری زنجانی نیز ضمن رد دیدگاه کسانی که قائل به عدم استبراء در زانیه باردار هستند می نویسد: «در زانیه استبراء مطلقاً لازم است که استبراء غیرحامل با دیدن حیض و استبراء حامل با وضع حمل است» (۲۱۵۱/۷).

از نظر این دیدگاه استبراء زانیه باردار واجب است حتی در صورتی که زانیه با زانی ازدواج کند، زیرا بعد از ازدواج، زانی همسر شرعی زن است، در این صورت نطفه وی بعد از ازدواج از نظر شرع حرمت دارد و نباید در جایی قرار گیرد که قبلاً در آن نطفه حرام قرار گرفته است، افزون بر آن احتمال اختلاط نسب نامشروع با مشروع در این فرض بیشتر است، لذا شارع راضی نیست که فرزند نامشروع به عنوان فرزند مشروع به شخصی نسبت داده شود.

ب. ادله دیدگاه عدم جواز:

۱. عمومیت ادله: اولاً ادله ای که بر وجوب عده دلالت می کنند عام هستند و می گویند با دخول عده واجب می شود، این حکم شامل همه زنان مدخوله حتی زانیه باردار می شود؛ مثل این روایت: «إِذَا اتَّقَى الْخِتَانَانَ وَجَبَ الْمَهْرُ وَالْعِدَّةُ وَالْغُسْلُ» (کلینی، ۱۰۹/۶).

به روایت فوق چنین استدلال شده است که این روایت در صورت «التقی الختانان» عده را واجب دانسته است و اطلاق آن شامل زانیه نیز می شود، چه زانیه باردار و چه زانیه غیرباردار.

افزون بر آن، روایت دیگری وجود دارد که مفهوم آن روایت این است که ازدواج زن زانیه بعد از استبراء

جایز است. ابن جریر از امام صادق(ع): «قُلْتُ لَهُ الرَّجُلُ يَنْجُرُ بِالْمَرْأَةِ ثُمَّ يَبْدُو لَهُ فِي تَزْوِجِهَا هَلْ يَحِلُّ لَهُ ذَلِكَ قَالَ نَعَمْ إِذَا هُوَ اجْتَنَبَهَا حَتَّى تَنْقَضِيَ عِدَّتُهَا بِاسْتِئْزَاءِ رَجِمِهَا مِنْ مَاءِ الْفُجُورِ فَلَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا» (کلینی، ۳۵۶/۵؛ طوسی، تهذیب، ۳۲۷/۷)؛ ابن جریر می‌گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم اگر کسی با خانمی زنا کند و بعداً بخواهد با او ازدواج کند، آیا روا خواهد بود؟ ابوعبدالله گفت: بلی، بعد از آنکه از خانم دوری کند تا عده او سرآید و پاکی رحم او روشن شود، حق دارد با او ازدواج کند.

۲. اختلاط میاه و انساب: هدف دین مبین اسلام یا به‌طور کلی هر دین الهی مبتنی بر حفظ پنج مقصد اساسی؛ یعنی دین، عقل، نفس، مال و نسب است (شهید اول، ۳۸/۱). تشریح احکام تکلیفی و وضعی نیز در مجموع برای حفظ این اهداف صورت گرفته است. بنابراین، اسلام برای حفظ میاه و انساب انسان‌ها از اختلاط، احکامی را وضع کرده است. فقها نیز حکمت برخی از احکام را عدم اختلاط میاه ذکر کرده‌اند؛ مثل عدم شرط دخول در عده وفات (شهید ثانی، ۲۷۱/۹)، عدم جواز ازدواج با زانیه مشهوره (محقق کرکی، ۲۷۱/۹)، حرمت ازدواج دو مرد با یک زن به‌طور هم‌زمان (علامه حلی، تذکره، ۶۳۹)، تشریح عده (خوانساری، ۵۴۴/۴)

و این اشکال که با وجود آزمایش (DNA) اختلاط در انساب پدید نمی‌آید پذیرفتنی نیست، زیرا یکی از کاربردهای آزمایش DNA به‌منظور تأیید رابطه پدر-فرزندی انجام می‌گیرد، حال در فرضی که زانیه باردار با زانی ازدواج کند آزمایش DNA فایده‌ای ندارد؛ چراکه در نسب اختلافی وجود ندارد، به‌دلیل آنکه فرزند از هم‌بستری زانیه با زانی و از نطفه زانی به وجود آمده است، بلکه اختلاف در الحاق فرزند نامشروع به پدر (زانی) به‌عنوان فرزند مشروع است که آزمایش DNA نمی‌تواند مشروع یا نامشروع بودن فرزند را اثبات کند.

در فرضی که زانیه با فرد دیگری غیر از زانی ازدواج کند، هرچند با آزمایش DNA غالباً نسب فرزند مشخص می‌شود و این آزمایش نشان می‌دهد که آن فرزند برای زوج نیست، اما اولاً از نظر اکثر فقها لعان و قاعده فراش در اثبات نسب حجیت دارد و آزمایش DNA را قبول ندارند، زیرا ملاک در اثبات نسب فراش است، حال آنکه در این آزمایش اصلاً فراشی وجود ندارد، در نتیجه حجیت ندارد. همان‌طور که این آزمایش نمی‌تواند جانشین لعان شود؛ یعنی اگر مرد به زن نسبت زنا دهد مرد با آزمایش DNA نمی‌تواند حد را از خود دفع کند، بلکه با لعان ساقط می‌شود چون ملاک در سقوط حد قذف، لعان است (قائمی نجفی، جلسه ۵۱ و ۵۳؛ همو، «آزمایش‌های پزشکی اگر مفید علم و یقین باشد، حجت است»). بر همین اساس، در برخی آرای قضایی تصریح شده است که نفی ولد جز به لعان ممکن نیست و نظریه پزشکی قانونی و آزمایش‌های ژنتیکی (DNA) در این مورد حجیت ندارد (سامانه ملی آرای قضایی، «ارزش اثباتی

آزمایش DNA در دعوی نفی نسب؛ همو، دعوی لعان بعد از اقرار به رابطه بنوت»).

ج. تحلیل: در خصوص سند روایت، برخی آن را صحیح و برخی حسن می‌دانند (مجلسی، محمدتقی، ۱۱۹/۹؛ بحرانی، ۱۱۹/۲۴).

روایت دوم نیز طبق سندی که کلینی نقل کرده است، مرسل و ضعیف است (مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، ۶۳/۲۰)، اما اشکالی بر آن نیست؛ زیرا شیخ طوسی همین روایت را به طریق صحیح آورده است (خوبی، موسوعه، ۲۲۰/۳۲)، در نتیجه روایت صحیح است.

از نظر دلالتی، روایت بر وجوب عدل زانیه دلالت می‌کند. شیخ طوسی در الهدایة با استدلال به روایت ابن جریر ازدواج بدون استبراء را جایز نمی‌داند: «و لَا يُبْنِي لَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَ بِهَا بَعْدَ الْفُجُورِ إِلَّا بَعْدَ أَنْ يَسْتَبْرَأَ رَحْمَهَا» (تهذیب، ۳۲۷/۷). شیخ، «لاینبغی» آورده است؛ اما لاینبغی در کلمات شیخ و بسیاری از قداما غالباً دلالت بر حرمت می‌کند، خصوصاً در اینجا که شیخ به روایت اسحاق بن جریر استدلال می‌کند قطعاً دلالت بر حرمت می‌کند (شیرازی زنجانی، ۲۱۴۹/۷). علامه مجلسی می‌نویسد: «یدل علی اعتبار العدة من ماء الزنا وهو أحوط وإن لم يذكره الأكثر» (مرآة العقول، ۶۳/۲۰). علامه برخلاف دیدگاه اکثر فقها، دلالت این حدیث را می‌پذیرد بر اینکه «ماء الزنا» عده دارد. بنابراین، طبق این روایت زانیه قبل از ازدواج باید رحم خود را از ماء الفجور پاک کند.

این روایت با اطلاقی که دارد استبراء را در زانیه مطلقاً لازم می‌داند، چه زانیه حامله باشد یا نباشد که استبراء غیر حامل با دیدن حیض و استبراء حامل با وضع حمل است.

در خصوص دلیل دوم باید گفت که در روایات نیز به اهمیت حفظ انساب اشاره شده است؛ برای مثال، امام رضا(ع) در خصوص حرمت زنا فرمود: «خداوند زنا را حرام کرده است به دلیل فسادی که در آن پیدا می‌شود از کشتار یکدیگر و در آمیختن و به هم خوردن نسل و تبار و ترک تربیت فرزندان و برهم خوردن میراث و آنچه از این قبیل از اقسام فساد و تباهی است» (ابن بابویه، ۵۶۵/۳). آن حضرت نیز در خصوص علت حرمت قذف فرمودند: «خداوند تهمت و ناروا و نسبت دادن به پاکدامنان کار زشت را حرام فرموده است برای اینکه نسبها تباه می‌شود و فرزند از پدر واقعی خود جدا می‌شود و مسئله ارث و میراث به هم می‌خورد» (همان).

حال اگر ازدواج با زن زانیه باردار بدون استبراء (وضع حمل) جایز دانسته شود این هدف شارع تأمین نمی‌شود و سبب اختلاط میاه و انساب خواهد شد. بنابراین، برای جلوگیری از اختلاط میاه استبراء زن باردار لازم است.

۱. ۳. قول به تفصیل (جواز نکاح و حرمت وطئ)

أ. اقوال فقها: از نظر این اندیشه زنی که از راه زنا باردار شده است می‌تواند ازدواج کند اما تا زمان وضع حمل نباید وطئ و هم‌بستری صورت گیرد. شیخ مفید بعد از تصریح به صحت نکاح می‌نویسد: «و إذا عقد علیها بعد الفجور بها فلا یقر بها حتی یستبرئها» (۵۰۴). وی در ادامه می‌نویسد که اگر زانیه حیض می‌شود به اندازه یک حیض صبر کند و اگر حیض نمی‌شود سه ماه صبر کند؛ پس هنگامی که یقین پیدا کرد که زانیه باردار نیست، وطئ جایز است: «فإذا علم أنه لاحمل بها وطئها» (همان)؛ یعنی اگر بعد از یک ماه یا سه ماه فهمید که زانیه باردار است، حق ندارد وی را وطئ کند. بنابراین، از نظر شیخ مفید استبراء شرط وطئ است و وطئ زانیه باردار تا وضع حمل حرام است.

شیخ طوسی در مبسوط نیز استبراء را شرط وطئ می‌داند: «لأعدة علی الزانیة وجوباً حائلاً کانت أو حاملاً و لكل أحد أن یتزوج بها فی العدة و بعدها حائلاً کانت أو حاملاً إلا أنه لا یطأها إن کانت حاملاً حتی تضع» (۲۰۳/۴)؛ مفهوم قول شیخ آن است که بر زانیه عده واجب نیست، چه باردار باشد یا نباشد و هر کسی می‌تواند با آن زانیه در زمان عده و بعد از اتمام عده ازدواج کند، چه حامله باشد یا نباشد، فقط وطئ وی در صورتی که حامله باشد تا زمان وضع حمل جایز نیست. شیخ در الخلاف نیز بعد از اشاره به اینکه زانیه باردار و غیر باردار عده ندارد و ازدواج وی صحیح است، می‌نویسد: «غیر أنه لا ینبغی أن یطأها حتی تضع ما فی بطنها، یستبرئها بحیضة استحباباً». ظاهر قول شیخ «لا ینبغی» و قید «استحباباً» بر جواز نکاح و وطئ زانیه دلالت می‌کند و از نظر وی استبراء مستحب است (۳۰۲/۴) و طبرسی نیز قولی شبیه قول شیخ در خلاف دارد (۱۳۰/۲).

بنابراین، طبق قول شیخ مفید و شیخ طوسی در المبسوط استبراء واجب است اما شیخ در خلاف و طبرسی ادعای استحباب استبراء کرده‌اند که خلاف ظاهر است، زیرا روایات بر وجوب استبراء دلالت می‌کنند (کاشف الغطاء، ۴۵).

ب. ادله دیدگاه تفصیل: روایت: استناد به آیات «وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ»^۱ (نساء: ۲۴) «فَأُنكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ»^۲ (نساء: ۳). خداوند در مجموع این دو آیه می‌فرماید: هر زنی بر شما حلال است و می‌توانید با وی ازدواج کنید، مگر زانی که نهی کردم و خداوند در خصوص ازدواج زن زانیه نهی نفرمودند، لذا می‌توان با آن‌ها ازدواج کرد و نیازی هم به عده و استبراء ندارند، چه زانیه حامله باشد یا نباشد (طبرسی، ۱۳۰/۲).

۱. هر زنی غیر آنچه ذکر شد شما را حلال است.

۲. پس با آنچه میلان باشد از زنان ازدواج کنید.

اصل برائت ذمه: درباره وجود عده زن زانیه شک وجود دارد، اصل برائت ذمه جاری می شود و لذا ذمه زن زانیه در خصوص عده مشغول نیست و تکلیفی ندارد، زیرا وجود عده نیاز به دلیل دارد که چنین دلیلی وارد نشده است (طوسی، الخلاف، ۳۰۱/۴).

تحلیل: نظر به وجود روایات فراوان که حتی خود شیخ در تهذیب با توجه به روایت اسحاق بن جریر فتوا به لزوم استبراء صادر کردند (۳۴۷/۷)، دیگر محلی برای جریان اصل برائت و تمسک به عمومیت آیات قرآن باقی نمی ماند.

۲. بارداری مضاعف

با دقت نظر در اقوال و ادله کسانی که ازدواج زانیه باردار را در زمان بارداری جایز می دانند این نکته به دست می آید که چون زانیه باردار است دیگر نیازی به استبراء نیست و استبراء تا زمان وضع حمل بی فایده است، زیرا بارداری زن مانع از اختلاط میاه و انسباب می شود. حال در اینجا این سؤال به ذهن می آید که آیا در دوران تثبیت حاملگی اگر زنی با زوج خود یا مرد اجنبی نزدیکی کند امکان تشکیل لقاح ثانوی (تشکیل جنین) از آن مرد است؟ به عبارت دیگر، زنی که در حال حاضر باردار تشخیص داده شده است اگر با زوج خود یا مرد اجنبی در حال بارداری هم بستر شود آیا فرزند دومی از نطفه زوج یا مرد اجنبی در رحم آن زن به وجود می آید؟

پاسخ علم پزشکی به این سؤال مثبت است و در زمان بارداری، بارداری دوم اتفاق می افتد و در اصلاح پزشکی زمانی که یک بارداری جدید در طول حاملگی اولیه رخ می دهد (کانینگهام و دیگران، ۱۰۲۶/۳) به آن حاملگی مضاعف (سو پرفتاسیون)^۱ گفته می شود (سایت دکتر فرشته دانشمند). از دیدگاه تئوریک تازمانی که حفره رحم در اثر اتصال دسیدوای کپسولی به دسیدوای واقعی محو نشده است، امکان پذیر است. به عبارت دیگر، «یک زن باردار چند هفته پس از باردار شدنش یک تخمک دیگر آزاد می کند. تخمک دوم بارور می شود و سپس او به طور هم زمان دو کودک را باردار است. این را با لقاح هم زمان اشتباه نگیرید، در لقاح هم زمان دو تخمکی که طی یک چرخه قاعدگی آزاد شده اند در زمان های جداگانه بارور می شوند» (سایت مادرشو، ۱۴۰۰).

این موارد کم اتفاق می افتد، اما موارد متعددی در این خصوص گزارش شده است؛ برای مثال، زنی در انگلستان در هفته پنجم متوجه سایه کوچکی در کنار جنین شد و در هفته هفتم مشخص شد که این جنین دومین فرزند است که سه هفته بعد نطفه بسته شده است. در واقع این زن طی سه هفته دوبار باردار شده

1. superfoetation

است (سایت اسپوتینک ایران، ۲۰۲۱م). مورد بعدی زوجی استرالیایی است که در سال ۲۰۱۶ طی ده روز دوبار باردار شده و حتی پزشکان دو تاریخ متفاوت برای زایمان تعیین کرده بودند (سایت هارپی، ۱۳۹۹). البته این کار با روش لقاح آزمایشگاهی هم انجام شده است که با موفقیت همراه بود. زنی آمریکایی درحالی که قبلاً باردار بود باردار شد، وی موفق به حمل دوقلوها با دو مجموعه والدین مختلف شد که به عنوان بارداری مضاعف شناخته می شود. نتایج به این معنا بود که یک زن باردار می تواند باز باردار شود (سایت هلیکس، ۱۳۹۹).

شکل: بارداری مضاعف



در باره دلیل بارداری مضاعف چنین گفته شده است: «معمولاً هنگامی که زن باردار می شود چندین فرایند بیولوژیکی به وجود می آید که مانع از بارداری مجدد در دوران بارداری می شود: بدن او هورمون هایی را که جلوی آزاد شدن تخمک از تخمدان ها می شود را آزاد می کند. «پلاگین مخاط» در دهانه رحم ایجاد می شود که مانع از حرکت اسپرم به داخل رحم می شود. دیواره رحم ضخیم می شود و کار برای لانه گزینی جنین دیگر مشکل می شود. اما در وضعیت های بسیار نادر با حامله شدن باز هم تخمک گذاری می تواند ادامه یابد و تخمدان های فرد، تخمک دیگری را آزاد کنند که قابلیت باروری دارند و در نتیجه آن بارداری دوم است، اما این دو جنین با سنین حاملگی مختلف به طور معمول فقط چند هفته با هم فاصله دارند که با دوقلوهای برابر متفاوت است که در آن دو تخم به طور هم زمان بارور می شوند و جنین ها سن حاملگی

یکسانی دارند و این مورد زیاد گزارش می‌شود که به حاملگی دوم، حاملگی مضاعف گفته می‌شود» (همان).

باتوجه به فاصله کم بین دو بارداری گاهی آن دو را دوقلو فرض می‌کنند که همین امر افراد را درگیر مسائل حقوقی پیچیده‌ای می‌کند (همان)، البته موارد نادری هم رخ داده که فاصله بین دوبارداری بسیار زیاد است؛ برای مثال، یک مورد در روم گزارش شده است که فاصله بین دو حاملگی تقریباً سه تا چهار ماه بود (همان).

۳. نظر مختار

مشهور یا اکثر فقها، ازدواج و هم‌بستری با زانیه باردار را علاوه بر استناد به روایتی ضعیف، از این نظر جایز می‌دانستند که چون زانیه باردار است لذا بارداری مجدد وی در هنگام بارداری ممکن نیست، اما ادله مشهور ناتمام است و ادله کسانی که قائل به عدم جواز ازدواج در زمان بارداری هستند از قوت بیشتری برخوردار است. از نظر پزشکی نیز امکان بارداری مجدد در زمان بارداری وجود دارد و باتوجه به فاصله کم بارداری دوم، احتمال اشتباه در تشخیص فرزند دور از انتظار نیست، خصوصاً اگر زوج همان زانی باشد؛ چراکه دو جنین از همه لحاظ یکسان هستند. این نوع بارداری کم اتفاق می‌افتد، اما به صورت لقاح آزمایشگاهی موارد آن فراوان خواهد بود و چون این امر سبب اختلاط میاه و انساب می‌شود در نتیجه شارع چنین ازدواجی را جایز نمی‌داند. بله، نطفه زانی حرمت ندارد، اما نطفه زوج (شخصی که با زانیه باردار ازدواج می‌کند) حرمت دارد و باید از اختلاط آن با حرام جلوگیری کرد.

بنا بر نظر نگارنده، قول دوم ترجیح دارد و ازدواج در زمان بارداری جایز نیست و الله العالم.

۴. استفتا از مراجع عظام تقلید

در خصوص حکم ازدواج زنی که از راه زنا باردار شده است از دفاتر مراجع عظام تقلید استفتا شده است که به شرح ذیل است (اسلام کوئست، ۱۳۹۹):

سؤال: زنی که از راه غیر مشروع باردار شده است برای ازدواج (موقت یا دائم) چقدر باید عده نگه دارد؟

پاسخ مراجع عظام تقلید چنین است:

آیت‌الله خامنه‌ای: زن مذکور عده ندارد.

آیت‌الله سیستانی: زنا عده ندارد.

آیت‌الله شبیری زنجانی: زنا عده ندارد، ولی بنا بر احتیاط باید تا وضع حمل صبر کند و بعد ازدواج

کند، در هر صورت قبل از وضع حمل نزدیکی جایز نیست.
آیت الله صافی گلپایگانی: زن زانیه حتی اگر باردار باشد، عده ندارد.
آیت الله علوی گرگانی: زن زانیه برای ازدواج عده ندارد، گرچه بهتر است به مقدار دو حیض عده نگه دارد.

آیت الله مکارم شیرازی: زنی که حامل از زناست، عده ندارد و جایز است به عقد زانی یا غیر او در آید.
آیت الله هادوی تهرانی: اگر این زن زناکار در عده دیگری بوده و مرتکب زنا شده است، باید همان عده را به پایان برساند و پس از آن می تواند ازدواج کند و اگر در عده دیگر نبوده است، عده ندارد و زنا یا حامله شدن از زنا تأثیری در عده اش ندارد.
نتیجه: آیات عظام علوی گرگانی و شبیری زنجانی قائل به احتیاط شده اند. علاوه بر آن، از نظر شبیری در صورت ازدواج، زوجین حق هم بستری ندارند.

۵. استبراء زانیة باردار

عده زن بارداری که طلاق گرفته است به وضع حمل است و با وضع حمل عده وی تمام می شود (صاحب جواهر، ۲۵۲/۳۲)، حتی با سقط بچه نیز عده تمام می شود (ابن براج، ۳۱۶/۲). البته ملاک در وضع حمل، جدا شدن تمام فرزند از مادر است (همان). برخلاف ابن وهب از فقهای مالکیه که معتقد است وقتی دو سوم فرزند از شکم مادر جدا شد، عده تمام می شود (الموسوعة الفقهية الكويتية، ۳۱۶/۲۹) و بنا بر قولی، ابوحنیفه اتمام عده را خروج بیشتر فرزند از شکم مادر می داند (همان، ۳۱۷/۲۹). باتوجه به توضیحات مذکور، از نظر کسانی که استبراء زانیة باردار را واجب می دانند، استبراء به وضع حمل است (شبیری زنجانی، ۲۱۵۱/۷).

۶. سرنوشت فرزند باردار از زنا بعد از ازدواج زانیه

بنا بر فتوای مشهور که ازدواج زانیة باردار را جایز می دانند، در صورتی که زن ازدواج کند وضعیت آن فرزند نامشروع چه خواهد شد؟ این وجه دو صورت دارد: صورت اول جایی است که زانیه با زانی ازدواج می کند و صورت دومی جایی است که با غیرزانی ازدواج می کند که در ادامه به هر دو پرداخته می شود:

۱. ۶. ازدواج زانیة باردار با زانی

در خصوص الحاق یا عدم الحاق ولد زنا به زانی دو دیدگاه وجود دارد:
أ. دیدگاه عدم الحاق: از نظر این دیدگاه، اگر زانیة حامله با زانی ازدواج کند، فرزندی که حاصل از

علی آبادی؛ حکم ازدواج زن باردار از رابطه نامشروع از منظر فقه و حقوق ایران با نگاهی به .../۱۳۱

رابطه نامشروع آن‌ها در زمان قبل از ازدواج است به دلیل اینکه نطفه وی از زناست، شرعاً بدان‌ها ملحق نخواهد شد (شهید ثانی، ۳۵۳/۸؛ خویی، موسوعه، ۳۲۵/۳۲)، زیرا به سبب زنا نسب ثابت نمی‌شود و ازدواج بعد از زنا فایده‌ای ندارد و سبب الحاق فرزند نامشروع به پدر نمی‌شود (موسوی عاملی، ۴۳۶/۱) و به هیچ وجه از یکدیگر ارث نمی‌برند، حتی اگر پدر اقرار به فرزند وی کند (بحرانی، ۴۰۴/۱۴). ولد زنا از مادر و بستگان مادری ارث نمی‌برد و عکس آن هم همین‌طور است (طباطبایی، علی بن محمد، ۴۲۷/۱۴).

فقه‌ها به دو روایت استناد کرده‌اند: «الولد لغیة لایورث» و «ایما رجل وقع علی ولیدة قوم حراماً ثم اشتراها فادعی ولدها، فایة لایورث منه شیء، فإن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: «الولد للفراش و للعاهر الحجر» (کلینی، تهذیب، ۱۶۳/۷؛ طوسی، الاستبصار، ۱۸۳/۴؛ همو، تهذیب، ۱۸۳/۸). مفهوم هر دو روایت آن است که فرزندی که از راه نامشروع به دنیا آمده است جزو وراثت زانی قرار نمی‌گیرد و قید روایت دوم «الولد للفراش و للعاهر الحجر»؛ یعنی ولد برای فراش است و زانی محروم از فرزند است. در خصوص روایت اول با صرف نظر از اشکال سندی فقط در خصوص محرومیت ولد زنا از ارث است. اما روایت دوم بعد از بیان این حکم که ولد زنا از ارث محروم است قید «الولد للفراش و للعاهر الحجر» آورده است که طبق نظر فقها این فقره درباره زنی است که شوهر دارد و زنا هم انجام داده و باردار شده است، حال اگر شک شود که این بچه زوج است یا زانیه، این قاعده جاری می‌شود و فرزند را به زوج ملحق می‌کند و شامل محل بحث که زانیه شوهر ندارد، نمی‌شود (خویی، موسوعه، ۷۰/۳).

در متن قانون مدنی ایران نیز به فتوای مشهور اشاره شده است. ماده ۱۱۶۷ الحاق طفل به زانی و زانیه را منتفی می‌داند: «ماده ۱۱۶۷ طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود» و ماده ۸۸۴ نیز به نفی ارث برای فرزند نسبت به زانی و زانیه تصریح می‌کند: «ماده ۸۸۴ ولد الزنا از پدر و مادر و اقوام آنان ارث نمی‌برد، لیکن اگر حرمت رابطه که طفل ثمره آن است نسبت به یکی از ابویین ثابت و نسبت به دیگری به واسطه اکراه یا شبهه زنا نباشد طفل فقط از این طرف و اقوام او ارث می‌برد و بالعکس.»

به اتفاق فقهای امامیه فرزندان و زوج یا زوجه ولد زنا از وی ارث می‌برند و در صورتی که فرزند و زن نداشته باشد، وارث وی امام است (طباطبایی، علی بن محمد، ۴۲۸/۱۴). ماده ۸۸۴ قانون مجازات اسلامی در خصوص وارث دینه ولد زنا برگرفته از همین فتواست: «ماده ۵۵۳ وارث دینه شخص متولد از زنا در صورتی که فرزند و همسر نداشته باشد و زنا از هر دو طرف با رضایت صورت گرفته باشد، مقام رهبری است و چنانچه یکی از طرفین شبهه داشته یا اکراه شده باشد، همان طرف یا اقوام او وارث دینه می‌باشند.» ازدواج ولد زنا با زانی و زانیه نیز جایز نیست هر چند ولد شرعی به شمار نمی‌رود، اما این حرمت ذاتی

است و مشروط به اثبات نسب شرعی نیست (صاحب‌جواهر، ۲۵۷/۲۹). به‌طورکلی همهٔ محرمات ازدواج در خصوص ولد زنا جاری است (همان، ۲۵۸ تا ۲۵۹) و در مادهٔ ۱۰۴۵ قانون مدنی آمده است: «در موانع نکاح مادهٔ ۱۰۴۵ نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است اگرچه قرابت حاصل از شبهه یا زنا باشد: ۱. نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات هر قدر که بالا برود؛ ۲. نکاح با اولاد هر قدر که پایین برود؛ ۳. نکاح با برادر و خواهر و اولاد آن‌ها تا هر قدر که پایین برود؛ ۴. نکاح با عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات.»

ب. دیدگاه الحاق: در مقابل قول مشهور قول دیگری وجود دارد که برخی از فقها قائل به آن هستند و آن اینکه ولد زنا همهٔ احکام ولد شرعی را دارد و فقط رابطهٔ توارث بین ولد زنا و والدین وجود ندارد. مامقانی اولین فقیهی است که این قول را مطرح کرده است (مکارم شیرازی، کتاب النکاح، ۱۱۷/۲). از معاصران، امام خمینی (۵۱۱) و خویی (موسوعة، ۷۰/۳)، مکارم شیرازی (الفتاوی الجدیده، ۳۳۲/۱)، سبحانی (نظام النکاح، ۲۴۹/۱؛ همو، الحج، ۲۲۷/۲) موافق این دیدگاه هستند.

ادله: دلیلی که این اندیشه می‌آورد آن است که شخصی که از زنا به دنیا آمده است از نظر لغت، عرف و شرع ولد زانی و زانیه به شمار می‌رود (خویی، موسوعة، ۷۰/۳؛ طباطبایی، علی‌بن‌محمد، ۳۷۵/۲). **تحلیل:** با بررسی کتب اهل لغت، آن‌ها ولد را چنین معنا کرده‌اند: «كُلُّ مَا وَلَدَهُ شَيْءٌ» (مقری، ۶۷۱/۲؛ طریحی، ۱۶۵/۳). با توجه به معنای فوق چون ولد زنا محصول دو نفر است و از آن‌ها به دنیا می‌آید فرزند آن‌هاست. همچنین به پدر و مادر طبیعی که انسان از آن‌ها به وجود آمده است، به ترتیب والد و والده گفته می‌شود (قرشی بنابی، ۲۴۳/۷). بنابراین، فرزندی که از رابطهٔ دو نفر به وجود می‌آید به آن‌ها ملحق می‌شود و در این امر فرقی بین ولد زنا و ولد شرعی نیست.

عرف نیز وقتی ببیند که فرزندی توسط زنی با مشارکت مردی به دنیا آمد، قطعاً فرزند را به والدین حقیقی آن‌ها نسبت می‌دهد؛ زیرا برای عرف فرقی نمی‌کند که این فرزند حاصل از نکاح است یا زنا، همان‌طور که این فقها تصریح به ولد عرفی می‌کنند (سبحانی، نظام النکاح، ۲۴۹/۱؛ همو، الحج، ۲۲۷/۲).

شرع نیز به کسی که از راه زنا آمده باشد، ولد می‌گوید؛ از این‌روست که در روایات و اقوال فقها «ولد زنا» کاربرد دارد و همهٔ فقها ولد بودن شخص متولد از زنا را قبول دارند، اما وی را ولد شرعی نمی‌دانند؛ زیرا از پدر شرعی به دنیا نیامده است تا ولد شرعی باشد. باین‌وجود در اصل حکم خللی ایجاد نمی‌شود، زیرا بسیاری از احکام روی عنوان ولد رفته است (ولد بما هو و لد)؛ مثل ارث، حضانت، ولایت، عدم قصاص پدر به سبب قتل ولد و... بدون اینکه فرقی بین ولد شرعی با ولد زنا شده است.

شاید به همین دلیل باشد که برخی گفته‌اند ولد زنا در حکم ولد شرعی است و فقط در مسئلهٔ ارث

چون نص وجود دارد شامل ولد زنا نمی‌شود (همان، ۲۲۷/۲).

با اینکه ماده ۱۱۶۷ الحاق ولد زنا به زانی و زانیه را نفی می‌کند، اما طبق رأی وحدت رویه ۶۱۷ دیوان عالی کشور در خصوص اثبات نسب و اخذ شناسنامه (۴۷۶) نقل از شماره ۱۵۲۹۳، ۱۰/۶/۱۳۷۶ روزنامه رسمی، شماره ۱۹۲۰ق، ۱۴/۵/۱۳۷۶ و با استناد به فتوای امام خمینی، حکم اشتراک ولد زنا با ولد شرعی کرده است و فقط رابطه توارث را نفی کرده است. نتیجه آنکه از دیدگاه مشهور فقها بین ولد زنا و زانیان هیچ‌گونه رابطه نسبی وجود ندارد و فقط نکاح استثنا شده است، اما بنا بر رأی وحدت رویه که لازم الاجراست، بین ولد زنا با زانیان رابطه نسبی برقرار است و فقط توارث بین آن‌ها وجود ندارد.

۲.۶. ازدواج زانیه باردار با غیرزانی

شیخ طوسی در المبسوط می‌نویسد: ازدواج زانیه باردار در زمان بارداری جایز است، اما وطی و هم‌بستری زن جایز نیست و باید تا وضع حمل صبر کند؛ حال اگر ازدواج انجام شد و زوج وطی انجام داد، در این صورت اگر فاصله بین هم‌بستری تا تولد فرزند کمتر از شش ماه باشد، به اتفاق فقها فرزند به زوج ملحق نمی‌شود و نیازی به لعان نیست. اما در صورتی که فاصله هم‌بستری تا وضع حمل بیشتر از شش ماه شد و زوج دچار شک و شبهه شد که آیا آن فرزند متعلق به وی است یا خیر، در این صورت اگر ظن دارد که متعلق به وی نیست با لعان فرزند را از خود نفی کند، اما اگر ظن دارد که فرزند خودش است و قبول کند، فرزند به وی ملحق می‌شود (۲۰۳/۲).

نتیجه‌گیری

۱. در خصوص جواز یا عدم جواز ازدواج زانیه باردار از رابطه نامشروع در زمان بارداری سه نظر وجود دارد: ۱. مشهور فقها قائل به جواز ازدواج زانیه حامل حامل با زانی یا غیرزانی هستند؛ ۲. برخی از فقها قائل به عدم جواز ازدواج زانیه حامل هستند؛ ۳. ازدواج جایز است و وطی جایز نیست.
۲. از نظر مشهور فقها، ازدواج زنی که شوهر ندارد و از راه نامشروع باردار شده است در زمان بارداری جایز است، اما ادله آن‌ها ناتمام است. حقوق ایران نیز از رأی مشهور تبعیت کرده است.
۳. در مقابل، مانعان ازدواج در زمان بارداری علاوه بر تمسک به عمومات باب عده معتقدند که هر چند نطفه زانی محترم نیست اما نطفه مردی که قصد دارد با وی ازدواج کند محترم هست و برای حفظ میاه و انساب از اختلاط چنین ازدواجی جایز نیست.
۳. قول سوم قائل به تفصیل شده‌اند؛ یعنی ازدواج در زمان بارداری جایز می‌دانند اما وطی و هم‌بستری

را جایز نمی‌دانند. دلیل این‌ها اصل برائت ذمه است که باتوجه به روایات دال بر وجب استبراء نوبت به اصل عملی نمی‌رسد.

۴. بنا بر نظر نگارنده، دیدگاه کسانی که ازدواج در زمان بارداری را جایز نمی‌دانند ترجیح دارد، چون برای شارع حفظ انساب مهم است و در صورت ازدواج ممکن است زن دوباره باردار شود که این امر سبب اختلاط میاه و انساب می‌شود و از نظر علم پزشکی زنی که بارداری وی ثابت شده است در صورت نزدیکی با همسر یا مرد دیگری امکان بارداری مجدد وی وجود دارد که به آن بارداری مضاعف یا سوپرفتاسیون گفته می‌شود و در موارد متعددی نیز رخ داده است.

۵. اما سرنوشت فرزند باردار بعد از ازدواج زانی به این صورت است که اگر زانیه با زانی ازدواج می‌کند مشهور می‌گوید: فرزند به زانی ملحق نمی‌شود، اما معاصران به جز ارث، در بقیه حقوق قائل به اشتراک ولد زنا با ولد شرعی هستند و در صورت ازدواج با غیر زانیه فرزند به زوج ملحق نمی‌شود.

منابع

قرآن کریم

- ابن ادریس، محمد بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، کتاب من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- ابن براج، عبدالعزیز بن نحریر، المذهب، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
- اشتهاردی، علی پناه، مدارک العروة، تهران: دار الامة، ۱۴۱۷ ق.
- اکرامیان، مریم، «آیا ممکن است در هنگام بارداری دوباره حامله شویم؟»، ۱۷ مرداد ۱۳۹۹، healxapp.com.
- بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۹ ق.
- حکیم، محسن، مستمسک العروة الوثقی، قم: دار التفسیر، ۱۴۱۶ ق.
- خمینی، روح‌الله، موانع ارث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۹۲.
- خوانساری، احمد، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۵ ق.
- خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم: مؤسسه الخوئی الإسلامية، ۱۴۰۹ ق.
- _____، موسوعة الإمام الخوئی، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، ۱۴۱۸ ق.
- دانشمند، فرشته، «بارداری مضاعف چیست؟»، بی‌تا، drfereshtedaneshmand.ir.
- سبحانی تبریزی، جعفر، الحج فی الشریعة الإسلامية الغراء، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۴ ق.
- _____، نظام النکاح فی الشریعة الإسلامية الغراء، قم: مؤسسه امام الصادق (ع)، بی‌تا.

علی آبادی؛ حکم ازدواج زن باردار از رابطه نامشروع از منظر فقه و حقوق ایران با نگاهی به .../۱۳۵

- سند، محمد، سند العروة الوثقی: کتاب النکاح، قم: فدک، ۱۴۲۹ق.
- شبیروی زنجانی، موسی، کتاب نکاح، قم: رأی پرداز، ۱۴۱۹ق.
- شهید اول، محمدبن مکی، القواعد و الفوائد، قم: کتاب فروشی مفید، بی تا.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
- طباطبایی، علی بن محمد، ریاض المسائل، قم: آل البيت (ع)، ۱۴۱۸ق.
- طباطبایی، محمدکاظم، العروة الوثقی مع التعليقات، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۸ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۰ق.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ق.
- طوسی، محمدبن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۹۰ق.
- _____، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
- _____، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران: مرتضوی، ۱۳۸۷ق.
- _____، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
- _____، رجال، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، قم: آل البيت (ع)، ۱۳۸۸ق.
- _____، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیه، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۰ق.
- فاضل هندی، محمدبن حسن، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق.
- فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، مفاتیح الشرائع، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، بی تا.
- _____، الشافی فی العقائد و الأخلاق و الأحکام، تهران: دار نشر اللوح المحفوظ، ۱۴۲۵ق.
- قائمی نجفی، محمد، «آزمایش های پزشکی اگر مفید علم و یقین باشد، حجت است»، ۲ دی ۱۳۹۹، <http://meftaah.com>
- _____، درس خارج فقه پزشکی، ۱۳۹۹، qaeninajafi.ir.
- قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۱۲ق.
- کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، انوار الفقاهة: کتاب الطلاق، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق.
- کانینگهام، افگری و دیگران، بارداری و زایمان و یلیامز، ترجمه بهرام قاضی جهانی، تهران: گلبان، ۱۳۹۷ق.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق.

_____، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۴ق.
مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ق.

محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن، کفایة الأحکام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.

محقق کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق.

مرعشی، شهاب الدین، منهاج المؤمنین، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق.

مفید، محمد بن محمد، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

مقری، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم: دار الرضی، بی تا.

مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۴ق.

_____، الفتاوی الجديدة، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۷ق.

موسوی عاملی، محمد بن علی، نهاية المرام فی شرح مختصر شرائع الإسلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۱ق.

نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، به تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق.

وزارة الأوقاف و الشئون الإسلامية-الكویت، الموسوعة الفقهية الكويتية، كویت: دار السلاسل، ۱۴۰۴ق.

«بارداری مضاعف چیست؟»، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۹، harpy.ir.

[https://www.news-۲۴.com/life/archive/can-you-fall-pregnant-when-youre-already-pregnant-](https://www.news-۲۴.com/life/archive/can-you-fall-pregnant-when-youre-already-pregnant-۲۰۱۸۰۵۰۸)

۲۰۱۸۰۵۰۸pregnant-

«زنی طی سه هفته دو بار باردار شد و دو پسر به دنیا آورد»، ۸ آوریل ۲۰۲۱م، <https://sptnkne.ws/FSD3>.

«زنی که از راه غیر مشروع باردار شده است، جهت ازدواج (موقت یا دائم) چقدر باید عده نگه دارد؟»، ۲۱ آبان

۱۳۹۹، www.islamquest.net.

سامانه ملی آرای قضایی، «ارزش اثباتی آزمایش DNA در دعوی نفی نسب»، ۲۰ مهر ۱۳۹۲، www.islamquest.net.

[Hyperlink reference not valid.](#)

سامانه ملی آرای قضایی، «دعوی لعان بعد از اقرار به رابطه بنوت»، ۱۳ آذر ۱۳۹۲، <http://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/>

[jri.ac.ir/Judge/Text/](http://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/)

«عجیب اما واقعی: بارداری مضاعف یا باردار شدن مجدد همزمان با بارداری چیست؟»، سایت مادرشو، ۱ اسفند،

۱۴۰۰، <https://madarsho.com/article/getting-pregnant-when-you-are-already-pregnant>